



دکتر نعمت احمدی



# محاربه و

## افساد فی الارض

میان سلاح سرد و گرم فرقی نیست. مقنن مهم‌ترین مصداق محارب را نخست «هراس مردم» و دوم وصف «جنبه‌ی عمومی» عمل دانسته است.

برابر تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی: «کسی که بر روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب هراس هیچ فردی نشود، محارب نیست» و در تبصره‌ی ۲ هم به جنبه‌ی عمومی و غیرعمومی بودن عمل توجه شده است: «اگر کسی سلاح خود را با انگیزه‌ی عداوت شخصی به سوی یک یا چند نفر مخصوص بکشد و عمل او جنبه‌ی عمومی نداشته باشد، محارب محسوب نمی‌شود.»

مقنن، با دقت و وسواس، به مصداق و موضوع محارب نظر داشته است، مثلاً در ماده‌ی ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی - که مربوط به تشکیل دسته یا جمعیت است - زمانی این دسته و جمعیت و گروه را محارب شناخته است که هدف آن «برهم‌زدن امنیت کشور» باشد و یا افرادی که باعث تحریک به عصیان یا فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی نیروهای رزمنده می‌شوند، در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشند، محارب محسوب داشته است و در بقیه‌ی موارد به مجازات عادی تن داده است و موارد دیگر هم در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ذیل عنوان «جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی» آمده است.

علاوه بر آن، فرد یا گروهی که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار امکانات مالی مؤثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آن‌ها بگذارند، «محارب و مفسد فی الارض» می‌باشند. با وصف بالا، طرح عنوان «محارب و مفسد فی الارض» در مورد پرونده‌ی پاکدشت، آن هم به وسیله‌ی جامعه‌ی حقوقی و مهم‌تر در باب مسایل کیفری، قابل قبول است تا جایی که به گفته‌ی آقای «حسین اصغرزاده»، بازپرس ویژه‌ی قتل تهران: «براساس نظر رییس قوه‌ی قضاییه و با توجه به این که احتمال می‌رود جرایم صورت‌گرفته از سوی دو متهم جنایات پاکدشت مصداق مفسد فی الارض باشد، در حال حاضر رسیدگی به این موضوع و تشخیص آن در بازپرسی به عهده‌ی بنده گذاشته شده است.» (شرق، چهارشنبه ۲۹ مهر)

□ دادگاه کیفری استان تهران، حکم بدوی پرونده‌ی پاکدشت را صادر کرد. بازتاب این رأی، خصوصاً برائت متهم ردیف دوم آقای علی باغی (غلام‌پور)، باعث اعتراض تعدادی از حقوق‌دانان شد که معتقد بودند دادگاه باید به بحث «محاربه و افساد فی الارض» می‌پرداخت و موضوع قتل، تجاوز و آدم‌ربایی را در قالب «ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم» بررسی می‌کرد که مجازات آن چهار مورد زیر است:

- ۱- قتل؛
- ۲- آویختن به دار؛
- ۳- اول قطع دست راست و سپس پای چپ؛
- ۴- نفی بلد.

اختیار مجازات هر یک از امور چهارگانه بر عهده و اختیار قاضی دادگاه است. استدلال سرپرست دادگاه‌های کیفری استان که در کیفرخواست صادره اتهام «محاربه» و «فساد فی الارض» در نظر گرفته نشده بود و دادگاه نمی‌تواند خارج از چهارچوب کیفرخواست رأی صادر کند، از نظر حقوقی صحیح است. آیا اصولاً می‌توان در صورتی که موضوع اتهامی در قانون صریحاً آمده باشد، به‌عنوان دیگر حقوقی که مصداقاً با اتهام انتسابی تفاوت دارد، با آن برخورد نمود؟ اتهام متهمین پاکدشتی، قتل، آدم‌ربایی، تجاوز به عنف و سرقت بود، عناوینی که در قانون تصریحاً آمده است، اما باید دید «محاربه و افساد فی الارض» چه نوعی اتهامی است.

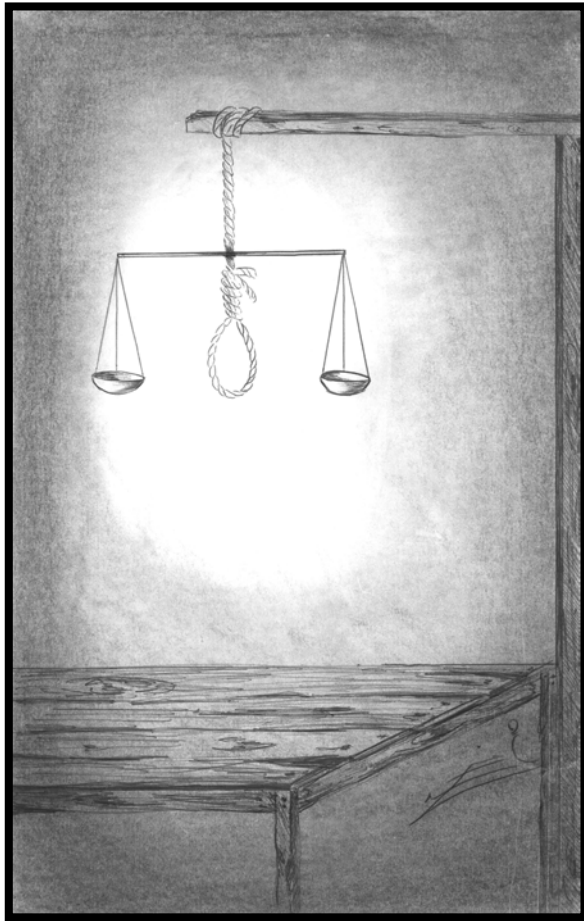
برابر ماده‌ی ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی، محارب و مفسد فی الارض چنین تعریف شده است: «هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم، دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض می‌باشد.»

قانونگذار شرایط سختی را برای معرفی و یا شناخت محارب در نظر گرفته است:

- ۱- ایجاد رعب و هراس؛
- ۲- سلب آزادی و امنیت مردم؛
- ۳- به اسلحه دست‌بردن.

دو مورد اول، یعنی ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم، در صورتی عنوان محارب و مفسد فی الارض پیدا می‌کند که فرد «دست به اسلحه ببرد»، که البته در تبصره‌ی ذیل ماده‌ی ۳،

با وصف بالا، حتا افرادی را که چند قتل در خفا انجام داده باشند و این قتل‌ها باعث رعب و وحشت هم شده باشد اما واجد شرایط محارب و فساد فی الارض نباشد (دست به اسلحه بردن برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی) نمی‌توان به‌عنوان محارب شناخت. به باور صاحب این قلم، صدور ابلاغ ویژه برای جناب اصغرزاده، بازپرس قتل، بعد از صدور رأی محکومیت متهمین پرونده‌ی پاکدشت، محمل قانونی ندارد و از طرفی ثابت می‌کند که - به گفته‌ی سخنگوی این قوه - «در این پرونده و در آن قسمت که حق مردمی وجود داشت و جو جامعه می‌طلبید که قضات سریع تصمیم بگیرند»



(شرق، چهارشنبه ۲۹ مهر) این رأی صادر شد. در این پرونده، دستگاه قضایی سرعت را فدای دقت کرد و به‌جای بررسی همه‌جانبه و کارشناسی، به‌سرعت، پرونده‌ی اولیه را جمع و جور کرد، پرونده‌ی که دادستان آن و لایحه بازپرس پرونده در پاکدشت، تنزل درجه پیدا کردند.

آیا کیفرخواست قضاتی که به اعتبار همین پرونده تنزل درجه پیدا کردند، می‌تواند روح تشنه‌ی مردم و ذهن جست‌وجوگر جامعه‌ی حقوقی را متقاعد کند؟ و جالب است به گفته‌ی سخنگوی قوه‌ی

چه ابهامی در پرونده است که عالی‌ترین مقام قضایی کشور، بازپرس ویژه‌ی تنها به قصد کشف محارب و مفسد فی الارض تعیین نموده‌اند؟ مگر غیر از ماده‌ی ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی، تعریف دیگری از مفسد فی الارض داریم؟ خیلی ساده، در جنایت پاکدشت آیا کسی برای ایجاد رعب و وحشت و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم، دست به اسلحه اعم از سرد یا گرم، برد؟

نمی‌دانم آیا وقتی دادستان پاکدشت به‌علت اهمال یک درجه تنزل درجه می‌کند و یا دو بازپرس به‌علت کوتاهی یا قصور به دادیاری تنزل درجه پیدا می‌کنند، دوباره باید به‌دنبال جرم‌سازی گشت یا قبول کرد که اهمال صورت گرفته. موضوع پاکدشت، قبل از آن که به متهمین برگردد، به مسؤولین برمی‌گردد. مجازات تنزل درجه یعنی قبول اهمال و این مجازات در مقابل عمل این افراد، یعنی کوتاهی دستگاه قضایی که باعث شد متهم متجری تر به قضا یا نگاه کند و با جرأت بگوید: «چون سابقه‌دار نبودم، کسی به من سوءظن نمی‌برد»، و یا وقتی که بازداشت شد، بعد از ۷۰ روز، آن هم با وجود قتل‌های انجام‌داده و وجود جنازه در محل سکونتش، دستگاه قضایی با این همه توان و قدرت نتوانست کشف کند که قتل‌ها را این فرد انجام داده است و زمانی که او را آزاد کردند، به‌یقین نوعی رویین‌تنی - یا بهتر بگوییم - «ضد ضربه» بودن را احساس کرد و به جنایات خود ادامه داد.

حال باید دید قاضی اصغرزاده چه‌گونه می‌تواند محاربه و افساد فی الارض را ثابت کند؟ برابر ماده‌ی ۱۸۹ قانون مجازات اسلامی، محاربه و افساد فی الارض از راه‌های زیر ثابت می‌شود:

الف - یک‌بار اقرار، به شرط آن که اقرارکننده بالغ و عاقل و اقرار وی با قصد و اختیار باشد؛

ب - با شهادت فقط دو مرد عادل.

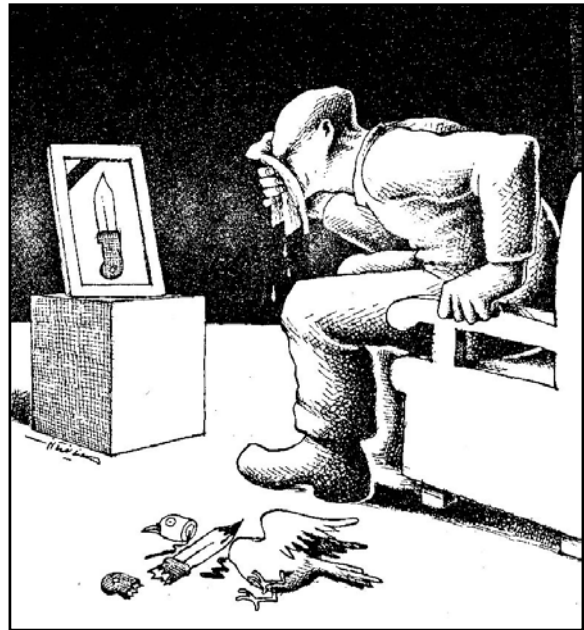
علاوه بر این دو مورد، مقنن شهادت مردمی را که مورد تهاجم قرار گرفته‌اند، به‌نوعی قابل قبول دانسته است.

نکته‌ی ظریف در خصوص محارب این است که عمل محارب، در زمان وقوع یا زمانی که در حال انجام است، باعث رعب و وحشت و هراس شده باشد، نه این که عمل انجام‌شده باعث رعب و وحشت در روزهای بعد بشود.

قانونگذار در دو مورد به اعمال محارب بعد از عمل، یعنی نتیجه‌ی به‌کاربردن اسلحه به قصد برهم‌زدن امنیت، صراحتاً عنوان «محاربه» داده است؛ نخست زمانی که سارق مسلح و قطاع‌الطریق دست به اسلحه برده و امنیت مردم یا جاده را بر هم زده باشد و با این به‌هم‌زدن امنیت باعث ایجاد رعب و وحشت شده باشد، محارب است؛ و دیگر، گروه یا جمعیتی که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند، تا زمانی که مرکزیت آن باقی باشد، تمام اعضا و هواداران آن گروه که به‌نوعی در پیشبرد اهداف آن جمعیت فعالیت و تلاش مستمر و مؤثر داشته باشند، هرچند در شاخه‌ی نظامی نباشند، محارب شناخته می‌شوند.

قضایه، آقای «کریمی‌راد»: «... دادسری انتظامی قضات هم این موضوع را بررسی خواهد کرد و در صورتی که سهل‌انگاری در پیگیری پرونده در آن‌جا مطرح شود، با قضات در دادگاه عالی قضات برخورد و به اتهام آن‌ها رسیدگی می‌شود.» (شرق، چهارشنبه ۲۹ مهر)

به هر صورت، رسیدگی به این پرونده، با همه‌ی معایب خود، در مورد آقای علی باغی این توفیق را داشت که قضات شعبه‌ی رسیدگی‌کننده، با استقلال کامل و به دور از جو سازی، حکم مقتضی صادر کنند. این حکم در واقع محکومیت ضابطین دادگستری است که با عنف اقرار گرفتند و در پرونده‌ی مهم - که همه‌ی انظار را به سوی خود جلب کرده بود و نگاه خارج از کشور هم به تصمیم‌گیری قضایی این پرونده معطوف بود - باید به‌جای شکنجه و به‌اصطلاح «عملیات فنی - پلیسی»؟! با روش قضایی و علمی رسیدگی می‌کردند تا بین



کیفرخواست و قرار صادره و رأی دادگاه این همه تفاوت نباشد. دادسرا متهم ردیف اول را قاتل دانست و به همین اعتبار کیفرخواست صادر نمود، ولی دادگاه با ادله و براهین و نیز اعتراف صریح متهم ردیف اول و تفاوت اقراریه متهم ردیف دوم و نیز محتویات پرونده و مطابقت‌نداشتن اقراریه این فرد با واقعیت، او را از اتهام قتل تبرئه نمود.

باور دارم این فرد شکنجه شده است. ریاست محترم قوه‌ی قضاییه، که ابلاغ ویژه برای کشف محارب و مفسد صادر نموده‌اند، در بند اول بخش‌نامه‌ی خود، تحت عنوان «قانون حقوق شهروندی» مقرر می‌دارد: «کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت، می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال

هرگونه سلیق شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود...».

قانونی که هنوز جوهر آن خشک نشده است، با تکیه بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اسلامی، برای نظارت بر حسن اجرای قوانین، دستور جدیدی صادر کرد تا کسانی که در این پرونده نسبت به متهم اعمال خشونت نمودند، تا جایی که از ترس کتک و زندان راحت‌ترین راه را یعنی اعتراف به عملی که انجام نداده است، انتخاب کند تا زیر شکنجه کشته نشود، محاکمه شوند.

ابلاغ ویژه و اظهارنظر مبنی بر «مفسد فی الارض» بودن متهم ردیف دوم و محاکمه‌ی پشت درهای بسته‌ی دادگاه انقلاب و صدور حکم اعدام متهم ردیف دوم توسط دادگاه انقلاب، قضات دیوان عالی کشور را متقاعد نکرد. برائت آقای علی باغی از اتهام افساد فی‌الارض، عملاً تفسیر مضیق قانون به نفع متهم (حاکم بر نحوه‌ی عملکرد دادگستری) بود که در بی‌اعتمادی را به روی قضات خود باز نمود و متأسفانه سخنگوی قوه‌ی قضاییه قضات محترم دادگاه کیفری استان را به جو زدگی محکوم و اعلام نمودند: «... در آن قسمت که حق مردمی وجود داشت، جو جامعه می‌طلبید که قضات سریع تصمیم بگیرند، این حکم صادر شد.» (شرق، چهارشنبه ۲۹ مهر)

حال این که دیدیم قضات به دور از هیاهو و جو زدگی، به‌درستی تصمیم گرفتند و اعتراض دادستان تهران هم در ادامه‌ی ابلاغ ویژه و رأی دادگاه انقلاب است و آلاً محاربه و افساد فی‌الارض تعریف خاص خود را دارد.

حال باید دید شارع مقدس در مورد محاربه و افساد فی‌الارض چه تکلیفی را باز کرده است. تنها دستور قرآن مجید در خصوص محاربه در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی مائده آمده است که می‌فرماید: «انما جزاء الدین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یطلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم فی الدنیا و لهم فی الاخره جزای عذاب عظیم.»

این آیه‌ی شریفه، تنها آیه‌ی قرآن در مورد محاربه و مجازات محارب است و معنای آن چنین است: «... وارد شده است محارب با خدا و رسول، کسانی هستند که برای اخافه‌ی مردم سلاح برکشیده و به جهت القای فساد در زمین به راه افتاده‌اند.» (آیات‌الاحکام، حقوقی و جزایی، دکتر ابوالقاسم گرگی، تهران، میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۳).

علامه طباطبایی، صاحب المیزان در تفسیر آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی مائده، نظر خاصی دارند که پایان‌بخش این مطلب خواهد بود:

«بنابراین روشن است که منظور همان اختلال به امنیت عمومی است، اختلال به امنیت عمومی با ایجاد خوف و هراس و نشاندن آن به‌جای امنیت که طبعاً و به حسب عادت، جز به‌کاربردن اسلحه و تهدید به قتل نمی‌شود و به همین جهت در روایات، فساد را به کشیدن شمشیر و نظیر آن تفسیر نموده‌اند.» (المیزان، جلد ۱۰، مؤسسه‌ی مطبوعات دارالعلم، ص ۱۸۸) ■